



شورای عالی صلح و نتایج کار آن

از چندی به این طرف شورای 68 نفری ای بمنظور مذاکره با مخالفان دولت و تامین صلح تشکیل گردید. در ترکیب این شورا رهبران جهادی اشخاص جدا شده از طالبان و اعضای حزب اسلامی حکمتیار شامل اند. در مورد متمر بودن نتایج فعالیت این شورا خوشبین نیستند.

یک عده به این نظر اند که استاد ربانی رئیس این شورا در گذشته با طالبان جنگیده است حالا طالبان حاضر نیستند که با استاد ربانی به دور میز مذاکره بنشینند، در حالیکه طالبان این را میدانند که استاد ربانی در اول طالبان را کبوتران صلح خطاب نموده و حتی مبلغی چند برایشان ارسال نمود، ولی این طالبان بودند که با استاد ربانی خصومت ورزیده او را مجبور به ترک کابل ساختند. عده دیگری از صاحب نظران به این باوراند که برای آغاز مذاکره و حل مشکل افغانستان پیش شرط های جانب دولت غیر لازمی و غیر عملی میباشد. بدین معنا که دولت باربار گفته است که ما با کسانی در میز مذاکره میشینیم که با القاعده قطع رابطه نموده، قانون اساسی را قبول و سلاح های خود را به زمین بگذارند. پس در این صورت این دیگر پاک و صاف تسلیمی است و به مذاکره و مصالحه ضرورتی نیست

در عین وقت مخالفین بارها گفته اند، تا زمانیکه نیرو های خارجی از افغانستان خارج نشوند هیچگونه مذاکره با دولت صورت نمیگیرد، که این پیش شرط طالبان نه برای دولت قابل قبول است و نه برای نیروهای ناتو و آیساف. پس در این صورت چی باید کرد؟ در این حالت برای پیشرفت کار شورای عالی صلح باید جانب دولت از پیش شرط های خود صرف نظر نموده برای آغاز مذاکره آماده گی خود را ابراز نماید.

در واقع وظیفه اعضای شورای عالی صلح است که دولت را به این امر متقاعد سازند. در مرحله بعدی مخالفین هم اگر خواهان صلح و برگشت به زنده گی صلح آمیز میباشد از پیش شرط خود صرف نظر نموده آماده گی خود را برای آغاز مذاکره ابراز بدارند. چون به گفته داکتر نجیب الله مصالحه جاده یکطرفه نه که جاده دوطرفه میباشد.

از جانبی همه صاحب نظران به این واقعیت متفق القول اند که معضله افغانستان نه یک مسله داخلی بلکه یک معضله منطوقی است. تا زمانیکه جوانب ذیدخل در قضایای افغانستان قناعت داده نشوند هیچگونه صلحی بوجود نخواهد آمد همچنین آگاهان امور به این حقیقت معترفند که مخالفین دولت از منابع داخلی و خارجی تغذیه مادی و معنوی میشوند.

در داخل مرمانی در مناطق شرق، جنوب و جنوب غرب به طالبان همکاری بی دریغ مینمایند، برای شان غذا البسه، پناهگاه و اطلاعات تهیه و حتی فرزندان دلبنده شان را منعیث سرباز به صفوف آنها میفرستند.

علاوتاً در بدنه دولت کم نیستند کسانی که جنگ طالبان را توجه نموده برای داعیه جنگ طلبانه آنها تئوری میسازند. تا جاییکه حملات انتحاری و انفجارات آنها را مقاومت ملی مینامند که در این جمله میتوان از اشخاصی چون. محمد اسمعیل یون، حبیب الله رفیع، انور الحق احدی، وحید مژده سناتور باختر امین زی و مطیع الله خروتی و روستار تره کی میتوان نامبرد.

پس در چنین وضعیتی میبایست که رهبری شورای عالی صلح قبل از صفر به کشورهای خارج نزد مردمان جنوب، شرق و جنوب غرب رفته به قناعت آنها میپرداختند.

به همین قسم رهبری شورای صلح با آن اشخاصی که در دولت شامل اند و در عین وقت برای مخالفین دولت تئوری میسازند نشست وسیع را براه انداخته آنها را در مورد حقانیت دولت قانع سازند.

برعلاوه سازمان ها و گروه های در خارج از کشور طالبان را تربیه، تمویل و تجهیز مینمایند که در این مورد بیشتر از همه نقش سازمان آی اس آی پاکستان برجسته است

در پهلوی آن گروه ها و عناصر بنیاد گرای پاکستان از لحاظ مالی و تعمین پناهگاه آنها را مساعدت مینمایند. در عین زمان شبکه القاعده و یک عده اشخاص ثروتمند در کشورهای خلیج با اعطای اعانه و عشر ذکات طالبان را از لحاظ مالی تعمین میکنند.

ولی جای سوال است که در طی ده سال چرا و چگونه امریکا و متحدینش نتوانستند منابع مالی طالبان را تشخیص و به قطع و خشکاندن آن منابع اقدام نمایند؟

این را هر کس میدانند که جنگ بدون تعمینات مالی ولوژستیکی دوام کرده نمیتواند.

در جنگ افغانستان منابع مالی ولوژستیکی نیروهای بین المللی و نیروهای مسلح افغان معلوم است اما منابع مالی و تسلیهاتی طالبان از نظر ها پوشیده مانده است. و کشورهای امریکا و متحدینش موفق نشده اند که سرچشمه ای تغذیه خارجی طالبان را قطع نمایند.

در آخر به این نتیجه میرسیم که تا زمانی که دولت افغانستان و شورای عالی صلح در داخل اشخاص و افراد حامی طالبان را قناعت ندهند و همچنین امریکا و متحدینش حامیان خارجی طالبان را قانع نسازند هیچگونه صلحی در کشور بوجود نیامده کاری شورای عالی صلح بی نتیجه خواهد بود.

امام جان عالمی

89-12-25